

تحولات بنیادی در افغانستان در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بخش دوم

در بخش اول این مبحث معلومات مختصری پیرامون تحولات عمده در ساحه مخابرات (تلفون و تلگراف و پوست) تقدیم شد. در این بخش تا حد امکان در باره تحولاتی که در ساحه معارف و تحصیلات عالی و امور صحتی در مملکت در دوره پادشاهی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه انجام شده معلومات مختصری ارائه میگردد.

در ساحه فرهنگ و معارف :

هنگامی که محمد ظاهر شاه جوان بر تخت سلطنت افغانستان نشست، در تمام کشور در حدود ده یا دوازده باب مکتب پسران و یک باب مکتب دختران آنهم تنها در کابل و به اشتتای مکتب حبیبیه همه به سویه ابتدائیه وجود داشت. ولی بعد از کودتای سردار محمد داوود که محمد ظاهر شاه مجبور به مهاجرت و اقامت در ایتالیا شدند، بیشتر از دو صد مکتب و لیسه پسران و دختران در سرتاسر کشور وجود داشت. با تاسف که امروز اکثر آنها از طرف جنگسالار ها و مجاهدین کاذب یا ویران گردیده و یا به آتش کشیده شدند.

مکتب حبیبیه چهارمین و یگانه مکتبی بود که در عهد سلطنت امیر حبیب الله خان سراج الملت به سویه عالی ساخته شده بود. چه سه مکتب دیگر در عهد سلطنت امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت (۱۸۱۸-۱۹۰۱) ساخته شده بود؛ مکتب تربیه پرسونل عسکری در بالاحصار کابل، مکتب تربیه گارگران فنی (۱) و مکتب سومی برای تربیه اردلی های حضور بود (۲)

مکاتب امانیه (استقلال) و امانی (نجات)، مکتب شرعیات، مکتب حکام، مکتب السنه، مکتب موسیقی و مکتب نسوان یا مستورات در عهد اعلیحضرت امان الله خان غازی اعمار گردیده بودند و مکتب غازی و مکتب طبی (پوهنخی طب) در عصر سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه ساخته شده بود. این مکاتب همه سویه مدارس ابتدائی را داشتند و به لیسه ارتقاء نکرده بودند. من در یک مقاله مستقل دیگر کوشش خواهم کرد نگاه مختصری به تاریخ معارف عصری در افغانستان معلوماتی خدمت خوانندگان تقدیم نمایم.

در دوره سلطنت محمد ظاهرشاه بود که نخست این مکاتب به سویه لیسه ها ارتقاء نمود و برای بهبود آنها با ممالک فرانسه، انگلستان و امریکا تعهدات کلتوری جدیدی به امضاء رسید و ثانیاً در دوران ۴۰ سال سلطنت ایشان در حدود دو صد مکتب و لیسه جدید در کابل و ولایات و حتی در لوی ولسوالی ها (حکومات اعلی) و ولسوالی ها تأسیس گردید. در ده سال دیموکراسی به اثر توجه ایشان در همه قراء و علاقه داری ها کودکان ها و مکاتب ابتدائی اعمار گردید. من از یکتعداد آنها نام میبرم و امیدوارم نواتی که درین دوره در معارف افغانستان کار کرده اند مثل جناب استاد فاضل، جناب آقای صمدی، جناب آقای مبارز، جناب داکتر حمایت الله اکرم و از خانم ها محترمه کبرا عمر، محترمه عزیزه انوری و محترمه صالحه فاروق اعتمادی و محترمه معصومه عصمتی وردک که اخیرالذکر در رأس وزارت معارف خدمت نموده و میرمن اعتمادی در راس وزارت کار و امور اجتماعی اجرای وظیفه نموده و غیره بزرگانی که هنوز حیات دارند، این معلومات را تکمیل نمایند.

حالاً می پردازم به برشمردن مهمترین لیسه های دختران و پسران.

لیسه ها و مکاتب دختران :

- ارتقای مکتب نسوان یا مستورات سابق به لیسه در یک باغ و تعمیر زیبا در شهرنو کابل در آغاز برای ۵۰۰ شاگرد و در اواخر سلطنت شان تعداد داخله این لیسه به ۳۵۰۰ شاگرد رسیده بود.
- اعمار لیسه زرغونه در کابل برای تدریس ۲۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه های رابعه بلخی در کابل و در مزار شریف هر کدام برای ۷۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه های سلطان غیاث الدین غوری در شهر باستانی هرات برای ۱۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه جامی در هرات برای ۸۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه عایشه درانی برای تدریس ۲۰۰۰ شاگرد؛

- اعمار لیسه سلطانه رضیه در مزار شریف برای تدریس ۱۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه شاهدخت بلقیس که بعداً به لیسه جمهوریت مسمی شد، در آغاز برای ۳۰۰ شاگرد و بعداً ۱۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه حوریا در کابل برای تدریس ۶۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه ستاره در باغ علیمردان کابل برای ۴۰۰ متعلم؛
- اعمار لیسه آریانا در کابل برای تدریس ۷۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه شاهدخت مریم در کابل برای تدریس ۱۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه د میرمنو تولنه (۳) برای تدریس ۴۰۰ شاگرد کلان سال؛
- اعمار لیسه های دختران در هرات، قندهار، مزار شریف، قندز و جلال آباد؛
- اعمار مکتب ابتدائیه سکندری در قلعه فتح الله خان کابل برای تدریس ۳۵۰ شاگرد؛
- اعمار انسنتیوت صنایع دستی و سوزن دوزی؛
- اعمار انسنتیوت تربیه معلم برای مکاتب نسوان؛
- و به صد ها مکتب ابتدائی و متوسطه دیگر در اکثر نواحی شهرها و ولسوالی ها و قراء خرد و ریزه و تامین بورس های تحصیلی برای شاگردان ممتاز (اول و دوم و سوم نمبر) لیسه ها به خارج کشور.

لیسه ها و مکاتب پسران :

- مکتب استقلال به لیسه ارتقا نمود و تعداد داخله آن از ۳۰۰ تن به ۱۸۰۰ شاگرد رسید.
- مکتب نجات به لیسه ارتقا نمود و تعداد داخله آن از ۲۵۰ تن به ۱۵۰۰ شاگرد رسید.
- انکشاف و توسعه لیسه غازی در کابل از ۳۰۰ شاگرد به ۱۵۰۰؛
- تعمیر لیسه انصاری در کابل برای تدریس ۷۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه تجارت برای تدریس ۷۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه زراعت در کابل برای تدریس ۴۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه دارالمعلمین در کابل برای تدریس ۱۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه رحمان بابا در کابل برای تدریس ۱۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه خوشحال خان در کابل برای تدریس ۷۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه نادریه در کابل برای تدریس ۱۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه احمد شاه بابا در قندهار برای تدریس ۲۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه سید جمال الدین افغان در جمال مینه کابل برای تدریس ۶۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه باختر در مزار شریف برای تدریس ۲۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه جامی در هرات برای تدریس ۱۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه سلطان در هرات برای تدریس ۹۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه شیرخان در قندز برای تدریس ۱۰۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه اعتبار خان در بغلان برای ۵۰۰ شاگرد
- اعمار لیسه شرخان در قندز برای ۴۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه هدایت در ولسوالی جاغوری برای ۳۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه صنایع نفیسه در کابل برای تدریس ۲۰۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه هنر های زیبا در کابل برای تدریس ۲۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب تخنیک ثانوی در آغاز برای ۳۰۰ شاگرد که بعداً ارتقا به لیسه تخنیک عالی در کابل برای ۵۵۰ شاگرد؛
- اعمار لیسه امیر شیر علی خان در کابل برای تدریس ۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب درخانی در کابل برای تدریس ۴۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب مخابرات در یکه توت کابل برای تدریس ۲۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب شریعت در پغمان که بعداً به فاکولته ارتقاء نمود؛
- اعمار مکتب اصول تحریر در دارالامان برای ۵۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب موسیقی در کارته ۴ برای ۱۰۰ شاگرد؛
- اعمار مکتب هتل داری در جمال مینه برای ۴۰۰ شاگرد؛

- اعمار مکتب میخانیکي برای ترمیم موتر و ماشین آلات مختلف ؛
 - اعمار مکتب ابتدائی عاطفی در ولسوالی انجیل هرات برای تدریس ۴۰۰ شاگرد ؛
 - اعمار مکتب نادر شاهی در مزار شریف برای تدریس ۴۰۰ شاگرد ؛
 - اعمار مکتب ابتدائی لولنج در ولایت پروان برای ۱۵۰ شاگرد که بعداً به مکتب متوسطه ارتقاء نمود ؛
 - اعمار مکتب ابتدائی بریکوت در کابل برای تدریس ۵۰۰ شاگرد؛
 - اعمار مکتب پولیس برای تعلیم و تربیه ۶۰۰ شاگرد، و بعداً اکادمی پولیس برای تعلیم و تربیه ۱۲۰۰ پولیس و اراکین امنیتی؛
 - اعمار انستیتوت اداره صنعت ؛
- و اعمار صد ها مکتب ابتدائی و ثانوی دیگر در نواحی مختلف کابل و ولایات، و تامین بورس های تحصیلی برای شاگردان ممتاز و اول و دوم و سوم نمره صنف ۱۲ برای تحصیلات در خارج کشور.

تحصیلات عالی و پوهنتون ها :

- اعمار اولین فاکولته طب در افغانستان در علی آباد کابل در سال ۱۹۳۱ ؛
- اعمار اولین پوهنتون افغانستان ابتدا در پل باغ عمومی و سپس در کارته ۳ که دارای پوهنخی (فاکولته) های طب و فارمسی با توامیت همراي فاکولته طب شهر لئون فرانسه ، اقتصاد با توامیت همراي فاکولته اقتصاد شهر کولن آلمان، حقوق و علوم سیاسی با توامیت همراي فاکولته حقوق پاریس ، انجیری، زراعت و وترنزی (طب حیوانات) با توامیت همراي فاکولته های انجیری و زراعت و ترنری ایالت نبراسکای اضلاع متحده امریکا، پوهنخی شریعات و علوم دینی با توامیت با فاکولته شریعات پوهنتون جامع اظهر مصر ، انستیتوت پولى تخنیک و انستیتوت تخنیکوم کابل با توامیت همراي پولى تخنیک شوروی ؛ پوهنخی سیانس و ریاضیات با توامیت همراي فاکولته سیانس و ریاضیات ایالت کلورادوی اتازونی، و فاکولته ادبیات و علوم بشری که هزاران محصل را در آغوش خود پرورش داد. و شاگردان ممتاز این فاکولته ها برای تحصیلات عالی در کشور های خارجی اعزام گردیدند.
- اعمار انستیتوت تخنیکوم مزار شریف ؛
- اعمار بزرگترین کتابخانه، کتابخانه پوهنتون کابل برای استفاده محصلین افغان ؛
- اعمار پوهنتون ننگرهار و هرات دارای پوهنخی های طب، فارمسی و زراعت

در ساحة امور صحی و تلاش برای بهبود صحت مردم :

- انکشاف و توسعه شفاخانه علی آباد، سناتوریم علی آباد برای مردان که بنام سناتوریم "رفقی" مشهور شده بود(۴) و سناتوریم دارالامان برای نسوان که در سال ۱۹۳۰ در عهد سلطنت اعلیحضرت محمد نادرشاه اعمار شده بودند. این شفاخانه ها اولین شفاخانه های مجهز بودند که برای تعلیم و تدریس محصلین اولین فاکولته طب در افغانستان اختصاص داده شده بودند، و بعد از شهادت مؤسس و بنیانگذار آنها شفاخانه علی آباد بنام " نادرشاه روغتون" مسمی گردید؛
- اعمار اولین مرکز صحی پیلوت(۵) در ولسوالی شیوکی با شعبات معاینات صحی، طفل و مادر، واکسیناسیون و شعبه ای هم از انجمن های "زنان رضاکار" و "رهنمای خانواده"(۶) ؛
- اعمار شفاخانه ۴۰۰ بستر وزیر اکبر حان ؛
- اعمار شفاخانه ۴۰۰ بستر اردو ،
- اعمار شفاخانه جدید توبرکلوز (سل) در دارالامان (بنام همان سناتوریم رفقی که قبلاً در علی آباد بود و ۶۰ بستر داشت) با افزایش بستر و تجهیزت بهتر و بیشتر ؛
- اعمار شفاخانه سوم توبرکلوز در دروازه لاهوری کابل ؛
- اعمار شفاخانه مستورات در جاده میوند کابل که بعداً بنام " د میرمنو روغتون " مسمی گردید، در آغاز دارای ۴۰ بستر و سپس با توسعه آن دارای صد ها بستر و پرسونل تعلیم یافته و رسیده ؛
- اعمار شفاخانه نور برای امراض چشم در دارالامان که از نظر یک پروفیسور فرانسوی (متخصص چشم) که برای تدریس به کابل آمده بود و از آن دیدن کرده بود این شفاخانه را از نظر پرسونل و تجهیزات چهارمین شفاخانه چشم در شرق خوانده بود ؛
- اعمار شفاخانه این سینا مشهور به شفاخانه گندنا(۷) دارای ۱۲۰ بستر و تداوی توسط متخصصین امریکائی ؛

- اعمار شفاخانه ۷۰۰ بستر اردو ؛
- اعمار شفاخانه قوای مرکز دارای ۲۰۰ بستر در شهر آرای کابل ؛
- اعمار شفاخانه بزرگ اطفال دارای ۱۵۰ بستر در کارته وزیر اکبر خان کابل به کمک کشور هندوستان که بنام شفاخانه " اندیرا گاندی " یاد می شد ؛
- اعمار زیژنتون (زایشگاه) به مصرف دولت افغانستان با وجود همه محدودیت های مالی و کدري ؛
- اعمار و انکشاف مرکز حمایتی طفل و مادر و کلینیک های مربوط آن در ولایات ؛
- اعمار و انکشاف موسسه بزرگ مجادله ملاریا و در ۲۰ سال فعالیت آن پیشه ملاریا بکلی از افغانستان معدوم گردید. دوست زنده یادم پوهاند داکتر عبدالله عمر که زمانی وزیر صحت عامه افغانستان بود، در یک کنفرانس جهانی WHO سازمان صحتی جهان در ویانای اتریش اشتراک کرده بود و این موضوع را یعنی امحای پیشه ملاریا را در آن مجمع بزرگ اظهار نموده بود که متعاقب آن هیئتی از سازمان صحتی جهان به افغانستان مسافرت کرده و بعد از یک سلسله تحقیقات امحای ملاریا را از افغانستان رسماً تصدیق و اعلام کردند. (۸)؛
- احداث تعمیر تجهیز برای بانک خون در عمارت صحت عامه که برای تمام شفاخانه های کابل خون لازم را تهیه میکرد ؛
- اعمار کامپلکس لابراتوار های تهیه واکسن در دارالامان با پرسونل تحصیل یافته که انواع مختلف واکسن را تهیه میکرد، از قبیل واکسن ضد چیچک ، واکسن ضد پولیو ، واکسن ضد تیفوئید(محرقه) ، واکسن ضد کولرا (وبا) و غیره که تقریباً افغانستان از درک تولید واکسن خود کفا شده بود.(۹)
- اعمار مؤسسات مستقل برای مجادله با توبرکلوز، با کولیرا، با چیچک، با پولیو و با امراض دیگر اطفال و خاصتاً مجادله با مرض جذام که بجز محدوده ای در شفاخانه بامیان در دیگر مناطق افغانستان از بین رفته بود. و فعالیت این موسسه در انهدام چیچک قابل یاد آوری است که در دهه دیموکراسی دامن چیچک از افغانستان چیده شد. و موسسه جهانی WHO سازمان صحتی جهان برای ثبوت این ادعای حکومت افغانستان برای مدت دو سال جایزه ۲۰۰۰ افغانیگی را اعلان نمود که هر کسی که طفل مصاب به چیچک را معرفی کند، مستحق این جایزه میباشد. چون در ظرف این دو سال هیچ نوع کیس مصاب به چیچک مشاهده نشد، موسسه جهانی WHO رسماً اعلان نمود که منبع مسافرین افغانستان مجبور به واکسین کردن چیچک نیستند. و این موضوع در آن زمان در همه رسانه های مطبوعاتی کشور منعکس شده بود.
- اعمار شبکه کلینیک ها در تمام ولایات و ولسوالی ها که در این سالهای تیره و تار افغانستان این شبکه ها از طرف کمونیست ها و قوماندان صاحبان جهادی ویران شده است که امروز جامعه جهانی همان کلینیک ها را اعمار مجدد میکند. (ادامه دارد)

- (۱) مکتب تربیه گارگران فنی برای ماشین خانه کابل و تولید اسلحه بود که در منطقه باغ علم گنج در کنار راست جوی شیر و کنار چپ دریای کابل (از درمسال هندوها تا تعمیر سره میاشت و پل هارتن) موقعیت داشت.
- (۲) این مکتب که برای تعلیم و تربیه اردلی های حضور در داخل محوطه ارگ کابل بنیانگذاری شده بود. دارای ۹۸ شاگرد بود که اکثر آنها از شاگردان جدیدالاسلام نورستانی (بلورستان) یا کافرستان سابق بودند و تحت مدیریت یک صاحب منصب مسلمان انگلیسی بنام کامبل (Camnell) که بعد ها به شیر محمد تغییر نام داد، اداره می شد.
- (۳) "د میرمنو تولنه" یا موسسه نسوان در وقت ریاست میرمن صالحه فاروق اعتمادی که یکن از مبارزین راه حقوق زن در افغانستان بودند، آنچنان انکشاف نموده بود و با چندین هزار شاگرد و کارمندان خود، در ترازوی قدرت افغانستان گرانی می کرد، که باری اعلیحضرت پادشاه افغانستان البته برای تفنن فرموده بودند که در دیموکراسی افغانستان چهار قوه وجود دارد (اجرائیه ، مقننه ، قضا و مخصوصاً میرمنو تولنه

- (۴) "رفقی بیگ" نام یک پروفیسور ترکی بود که در راس داکتران ترکی برای بنیانگذاری سناتورיום ها و شفاخانه علی آباد به افغانستان آمده بودند. همین گروپ داکتران و پروفیسران ترکی بودند که فاکولتہ طب را تا آغاز جنگ عمومی دوم تدریس و شفاخانه و سناتورיום ها را اداره میکردند.
- ولی بعد از جنگ دوم قرارداد موافقت توامیت پوهنخی طب کابل با فاکولتہ طب پاریس و بعداً با فاکولتہ طب لئون فرانسه، از طرف داکتران و پروفیسران فرانسوی تدریس و اداره می شد.
- (۵) مرکز صحتی پیلوت یعنی مرکز صحتی نمونه که جداً طرف توجه وزارت صحت عامه، حکومت و خود شخص شاه قرار داشت. و تمام مراکز صحتی دیگر در کابل و ولایات از خطوط وضع شده این مرکز استفاده میکردند.
- (۶) "انجمن زنان رضاکار" در سال ۱۳۴۳ هـ ش (۱۹۶۴ م) بنا بر هدایت و رهنمائی مستقیم علیاحضرت ملکه حمیرا پا به عرصه وجود گذاشت که ریاست افتخاری آن را والاحضرت شاهدخت بلقیس دختر ارشد شان به عهده گرفتند و این انجمن علاوه بر اینکه در ساحه های مبارزه با بیسوادی، فقر و مرض با موسسات خیریه و بشری همکاری می نمود، در پروژه های دولت هم سهم فعال میگرفت و به صورت انفرادی زنان و اطفال مستحق، مریض و بینوا را حمایه کرده و کمک می رسانید. یکی دگر از فعالیت های مهم این
- (۷) موسسه مجادله بی امان برضد خرافات و رسومات بی جا بود که از طرف مردم و نویسندگان آن زمان در جراید و نشرات استقبال فوق العاده گردیده بود. از بطن این انجمن، انجمن دگری هم به نام "انجمن رهنمای خانواده" تولد شد که با رهنمائی های ملکه و شاهدخت بلقیس بزرگترین خدمات اجتماعی را انجام داده است.
- (۸) نام شفاخانه گندنا از این می آید که در سابق در این زمین هائی که بین دریای کابل و کوه شیر دروازه واقع بود گندنه میکشند و چون این شفاخانه را در بالای همین زمین های گندنه اعمار کردند بنام شفاخانه گندنا مشهور شد.
- (۹) خدمات و زحمات خستگی ناپذیر داکتر محمد کریم "نوشین" رئیس مجادله ملاریا در امحای پشه ملاریا قابل ستایش و یادآوری است.
- (۱۰) امروز مشاهده میکنیم که از یکطرف در جنگ های قدرت طلبی تیکه داران جهادی این بنا ها ویران شدند و از طرف دیگر می بینیم که در پنج سال گذشته دولت موجوده با سرازیر شدن میلیارد ها دالر نتوانسته آنها را دوباره اعمار کند و وزیر صحت عامه آن در وقوع هر اپیدمی اعلان میکند که افغانستان واکسن ندارد.

ذوات محترمی که در ترتیب این سند تاریخی مرا یاری رسانیده اند، عبارت اند از :

جناب عبدالجلیل جمیلی سابق سفیر افغانستان در کانادا
 جناب محترم ضیاء ملک اضغر مامور عالی رتبه وزارت معارف
 جناب دیپلوم انجنیر عبدالکریم عطائی سابق وزیر مخابرات افغانستان
 جناب پوهاند داکتر محمد نادر عمر رئیس پوهنخی طب پوهنتون کابل
 جناب پوهاند عبدالهادی نعیم مدیر دانشمند و پرکار لیسه عالی استقلال
 محترمه خانم صالحه فاروق اعتمادی سابق وزیر کار و امور اجتماعی
 جناب داکتر حمایت الله اکرم سابق رئیس تدریسات وزارت معارف افغانستان
 جناب محترم عزیزالله ظفری مامور عالی رتبه و مجرب ریاست هوائی ملکی
 جناب دیپلوم انجنیر میر محمد اکبر رضا سابق وزیر زراعت و آبیاری افغانستان

پایان

